

مؤلفه‌ها و شاخصه‌های انسان سالم در تراز نهج البلاغه

عبدالله غلامی* / ناهید باقری**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۳

چکیده:

انسان در سیر تکاملی خود ممکن است سه حالت کامل، سالم و ناقص داشته باشد. در قلمرو انسان سالم عقل، کانون اندیشه و قلب، کانون احساس و عاطفه است و رفتارهای او برای برقراری ارتباط با عالم خارج از ذهن است. اگر بین این سه بعد شخصیتی انسان هماهنگی و تعادل برقرار باشد، می‌توان ویژگی انسان سالم و کامل را به او اختصاص داد و در صورت کوچک‌ترین خلل و نابسامانی در یکی از آنها ناهنجاری‌های فکری و رفتاری در انسان بروز می‌کند و انسان در حالت نقص و عیب قرار می‌گیرد. در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی مؤلفه‌ها و شاخصه‌های انسان سالم در سه بعد روح، قلب و رفتار در تراز نهج البلاغه به اختصار بیان شده و راه‌ها و شیوه‌های ارتقای معنویت انسان و باورهای دینی از منظر امام علی علیه السلام استخراج و تحلیل شده است. نیز روشن شده که اگر کسی به هویت شخصیت سالم خویش برسد، به سبب برخورداری از بینش و نگرش در حوزه شناخت و معرفت، شاخصه‌هایی دارد که دو حوزه دیگر او یعنی قلب و رفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند برای دیگران نیز الگو باشد و زمینه معنویت و امکان حصول سلامت روان را برای آنها فراهم کند.

کلید واژگان:

انسان سالم، مؤلفه‌های انسان سالم، شاخصه‌های انسان سالم، نهج البلاغه

* gholami@razi.ac.ir

** استادیار گروه الهیات، دانشگاه رازی. (نویسنده مسئول)

*** ناهید باقری، دانش‌آموخته سطح سه، مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن حضرت ولی عصر (عج).

nahid.n.b1368@gmail.com



۱- مقدمه

انسان‌شناسی از موضوعات مهم و اساسی آموزه‌های اسلامی است و مفهوم انسان سالم در طول تاریخ مورد توجه و دقت نظر دانشمندان، فلاسفه، علمای اخلاق، ادیان و مذاهب و همچنین روانشناسان قرار گرفته است. در دهه ۵۰ و ۶۰ قرن بیستم موضوع انسان سالم و مفاهیم مربوط به آن رسمیت بیشتری یافت و تعاریف گوناگونی از انسان سالم ارائه شده که تنها ناظر به ابعاد جسمانی، روانی و اجتماعی بوده و از مهم‌ترین بعد وجودی انسان یعنی روح و معنویت او غفلت شده است. در حالی که امام علی علیه السلام در جایگاه اندیشمندی که به ابعاد وجودی انسان آگاه است، با دیدی همه‌جانبه، به وجود حقیقی انسان نیز توجه داشته و ویژگی‌های شخصیت سالم را از جنبه معنوی نیز تشریح نموده است؛ از این رو، هدف اصلی نوشتار این است تا به بررسی ویژگی‌های انسان سالم در تراز نهج البلاغه و دیگر سخنان امام علی علیه السلام در روایات اسلامی بپردازد تا از این طریق موارد تقویت بُعد معنوی و روحی انسان ارائه شود تا به این پرسش‌های اصلی پاسخ دهد: از نظر امام علی علیه السلام انسان چگونه می‌تواند مهم‌ترین بعد وجودی خود یعنی روح و معنویت خویش را تقویت نماید و ارتقا بخشد؟ مؤلفه‌ها و شاخصه‌های انسان سالم در سه بعد روح، قلب و رفتار در تراز نهج البلاغه چیست؟ نوشتار حاضر می‌کوشد تا به شناخت مؤلفه‌ها و شاخصه‌های شخصیت انسان سالم از منظر امام علی علیه السلام در سه بعد عقلی و روحی، قلبی و رفتاری بپردازد. بعد عقلی و روحی ناظر به ویژگی بینشی و نگرشی است. در این بخش ویژگی‌های مربوط در سه حیطه شناخت و ایمان به مبدأ، شناخت نسبت به جهان هستی و شناخت خود مطرح می‌شود. در بعد قلبی به ویژگی‌های گرایشی پرداخته می‌شود و در بعد رفتاری ویژگی‌های روشی و منشی بیان می‌گردد.

پیشینه پژوهش

نهج البلاغه جایگاه ممتازی نزد پژوهشگران دارد و موضوعات و مسائل مطرح در آن همواره مورد توجه محققان بوده است. در این بین تحقیقاتی پیرامون انسان‌شناس در نهج البلاغه صورت گرفته است، اما در موضوع عنوان نوشتار حاضر پژوهش ویژه‌ای مشاهده نشد. با این حال به مواردی اشاره می‌شود:



- «روان‌شناسی شخصیت سالم از منظر قرآن» از بهروز یدالله‌پور و مهناز فاضلی کبریا (مجله قرآن و علم، ۱۳۹۱، ش ۱۰) که نویسندگان به مؤلفه‌های شخصیت سالم از منظر قرآن پرداخته و با آرا و نظریه‌های روان‌شناسان مقایسه کرده‌اند.

- «تبیین شاخصه‌های مثبت شخصیت انسان از منظر نهج‌البلاغه» از حسن رضایی هفتادر و صفر نصیریان (مجله پژوهش‌های اخلاقی، ۱۳۹۷، ش ۳) که نویسندگان ایمان را به عنوان اصلی‌ترین شاخصه مثبت شخصیتی مورد توجه قرار داده و زیرمجموعه‌های آن یعنی چهار شاخصه صبر، یقین، عدالت و جهاد و فرعیاتشان را مطرح کرده‌اند.

- «بازجست ساحت‌های وجودی انسان از منظر نهج‌البلاغه» از نقی غیائی (مجله پژوهشنامه نهج‌البلاغه، ۱۳۹۷، شماره ۲۲) که نویسنده در آن افزون بر ساحت مادی انسان به دو ساحت مهم فرامادی انسان یعنی فطرت و قلب که به نحوی با روح ارتباط دارند، پرداخته است.

همچنین می‌توان به پایان‌نامه کارشناسی ارشد «انسان سالم در قرآن و نهج‌البلاغه» از هانیه عدالتی (پردیس دانشگاه تهران، ۱۳۹۰) اشاره کرد که به ویژگی‌های انسان سالم و صفات انسانی هدایت‌گر و کارگزار پرداخته است که در سیر اخلاقی انسان ایفای نقش می‌کنند.

مقاله حاضر ضمن توجه به تحقیقات پیش‌گفته، مهم‌ترین مؤلفه‌ها و شاخصه‌های انسان سالم را از منظر امام علی علیه السلام با تمرکز بر نهج‌البلاغه مطرح نموده است.

مفهوم‌شناسی

۱-۱. انسان سالم

فرهنگ‌های لغت غالباً سلامت را به معنای عدم بیماری و عاری بودن از آفت‌های ظاهری و باطنی دانسته‌اند. ابن فارس سلامت از ماده «سلم» به معنای صحت از بیماری و رنج می‌داند (ابن فارس، ۱۴۲۰، ص ۹۰) در لسان‌العرب نیز معنای «عاقبت» برای دو واژه «سلام» و «سلامت» گزارش کرده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۲۸۹-۲۹۰) و راغب اصفهانی آن را به «عدم ابتلا به بیماری‌های ظاهری و باطنی» تعریف می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ص ۲۳۹)؛ لذا آرامش روان را می‌توان از مصادیق سلامت باطنی دانست.



آموزه‌های اسلام نیز به مسئله سلامت در بعد جسم و روح توجه ویژه‌ای دارند. برخی روایات، سلامت را گواراترین نعمت (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۳۳) و زیباترین پوشش بر آدمی (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۸۳۹) دانسته‌اند.

۱-۲. سلامت روانی

سلامت، تنها به معنای سلامت تن و فقدان بیماری و ناتوانی محدود نمی‌شود، بلکه جنبه‌های درستی و آسایش جسمی، روانی و اجتماعی و شایستگی‌های معنوی را هم شامل می‌شود. با توجه به چهار بعد جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی انسان، سلامتی را می‌توان چنین تعریف کرد که فرد زندگی سالم و آرامی داشته باشد و رسیدن به این مفهوم از سلامتی نیازمند رشد بهنجار و متعادل در تمام ابعاد وجودی فرد است. با توجه به این تعریف از سلامت می‌توان گفت که سلامت روانی عبارت است از: «بهره‌مندی فرد از وضعیت مطلوب جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی به گونه‌ای که برای او امکانی فراهم سازد تا بتواند به یک زندگی رضایت‌بخش و سعادت‌مند دست یابد؛ به سخن دیگر، سلامت آن ظرفیت عظیم آدمی است که با شکوفایی فطرت توحیدی از طریق روابط مستحکم با خدا، ایجاد نظام ارزشی قدرتمند، داشتن هدف متعالی در زندگی، روابط سالم و سازنده با خود و دیگران، حس عمیق عرفانی به طبیعت و نظام هستی به دست می‌آید» (سالاری‌فر، ۱۳۸۹، ص ۱۴).

انسان در نظام هستی جایگاه والایی دارد و هدف از خلقت او کمال‌جویی و سعادت وی در سایه ستایش و پرستش خداوند است. حیات انسان و سلامت او از منظر متون اسلامی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا تأمین سلامت، حفظ و ارتقای آن مقدمه لازم برای حفظ حیات، شکوفایی عمر و بهره‌گیری شایسته از زندگی است. این اهمیت را می‌توان از تأکید و اهتمام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سلامت روانی از آغاز بعثت ملاحظه کرد. حدیث «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۵۰۹) ناظر به این حقیقت است. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در نهج البلاغه - که بایسته است از آن به کتاب هدایت و زندگی تعبیر شود- به موارد مختلف تعالی معنوی زندگی بشری اشاره کرده و راه‌های تحصیل آن را نیز بیان فرموده است؛ برای مثال، خداوند درباره آرامش روان و اطمینان قلبی که یکی از مؤلفه‌های سلامت انسان است، می‌فرماید: (الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ



بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) (قرآن کریم، ۱۳: ۲۸). در این آیه یاد خدا، راه کسب آرامش و ایمان به خدا ملازم با اطمینان قلب به وسیله یاد خدا معرفی شده است.

چنانکه در آیه‌ای دیگر فرو فرستادن آرامش بر قلوب مؤمنان را سبب آن می‌داند تا مؤمنان به ایمان خود بیفزایند: (هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُرْدُوهُمْ إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ) (قرآن کریم، ۴۸: ۴) و آرامش و سکینه را وسیله کسب ایمان معرفی می‌کند.

مفهوم دیگری که در قرآن کریم به سلامت روان اشاره دارد و مؤلفه‌های آن را تا حدی در بر می‌گیرد، مفهوم «حیات طیبه» است که در سایه عمل صالح و ایمان به دست می‌آید: (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) (قرآن کریم، ۱۶: ۹۷). طبق این آیه، افزون بر حیات طیبه که نتیجه عمل صالح و ایمان دانسته شده، پاداشی بهتر از عمل نیز به زنان و مردان مؤمن داده می‌شود.

مؤلفه‌های شخصیت سالم

شخصیت انسان‌ها از حیوانات کاملاً متمایز آفریده شده است. انسان‌ها به سبب ویژگی‌هایی همچون جسم، روح، روان و اختیار در یک جایگاه شخصیتی معرفی می‌شوند که هیچ موجود دیگری دارای این ویژگی‌ها نیست. روح الهی در روح و روان انسان به ودیعت نهاده شده است؛ به تعبیر دیگر، روحی از خداوند در انسان هست که انسان را آماده دریافت صفات عالی و عشق ورزیدن به حق می‌کند. روح را می‌توان همان عنصر علوی دانست که انسان را آماده تحقق اموری والا، کسب صفات مقدس و ارتقا به مقامی بالاتر از حیوان شایسته می‌گرداند، و هدف و غایت والایی را برایش مشخص و ترسیم می‌نماید. علاوه بر این، به گرایش او به منشأ ارزش‌ها و معارفی که حقیقت وجود انسان برای تحقق آنها است نیز می‌افزاید.

از آنجایی که ساختار روح و روان انسان با حیوانات کاملاً متفاوت است، و حقیقت انسان به روح و روان اوست، می‌توان گفت که خداوند شخصیت انسان را بر اساس باورها، انگیزه‌ها، اعمال و رفتارش ارزیابی می‌کند. بر همین مبنا، شخصیت انسان سالم و صاحب قلب سلیم در نگاه نهج البلاغه از اهمیت خاصی برخوردار است؛ لذا شایسته است ویژگی‌های شخصیت انسان‌های سالم را در سه حوزه قلب، عقل و رفتار از منظر نهج البلاغه مورد بازکاوی قرار گیرد.



اول. مؤلفه‌های بینشی و نگرشی (عقلی)

تمام انسان‌ها باید یک شناخت کلی نسبت به خود، محیط اطراف، مبدأ هستی و فرجام حیات داشته باشند و انسان برای اینکه بهره‌مند از شخصیت سالم باشد، نیازمند بینش و شناختی صحیح است که از حق و حقیقت و منابع اصیل آن برخاسته باشد. بر همین مبنا شاید بتوان گفت یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های اندیشمندان موضوع هدایت، هدایت و نهایت انسان بوده و هست. امیرالمؤمنین علیه السلام در حکمتی منسوب به ایشان نیز فرموده‌اند: «إِنَّ لِمَ تَعْلَمُ مِنْ أَيْنَ جِئْتَ لِمَ تَعْلَمُ إِلَيَّ أَيْنَ تَذْهَبُ؛ اگر ندانی از کجا آمده‌ای، نمی‌دانی که به کجا می‌روی» (ابن ابی الحدید، ۱۳۹۳، ج ۲۰، ص ۲۹۲). بنابراین، مؤلفه‌های بینشی و نگرشی، جهان‌بینی و باورهای انسان را در بر می‌گیرد و جزء مهم‌ترین و اساسی‌ترین رکن حیات فکری به شمار می‌آید؛ به همین دلیل، امیرالمؤمنین علیه السلام کوشیده‌اند تا با ارائه بینش صحیح، دقیق و عمیق، راهنمای دعوت انسان‌ها به سوی خداوند باشند و انسان‌ها با بهره‌گیری از آنها پا در جاده خرافات و تعصبات کور و مسیر جهالت و عوام‌زدگی نگذارند. این مؤلفه‌ها را در سه بخش می‌توان مورد اشاره قرار داد:

الف) شناخت و ایمان به مبدأ

از منظر امام علی علیه السلام انسان سالم، نگاهش به نظام هستی توحیدی است؛ از این رو، آرامش باطنی وجودش را فرا گرفته که تمام امور به دست خالق توانا، دانا، حکیم و قدرتمند ساخته شده است. در مقابل، انسان‌هایی قرار دارند که نگاهی کفرآلود، منافقانه یا شرک‌آلود دارند. شناخت و ایمان به مبدأ در انسان دارای شخصیت سالم سبب می‌شود بینش و نگرشی عقل‌مدارانه نسبت به هستی و هستی‌بخش در او شکل گیرد و رابطه بین او و خداوند بر مبنای آموزه‌های صحیح دینی پی‌ریزی شود.

۱. شناخت هستی با سیر در آفاق

شناخت آغاز هستی با سیر در آفاق و انفس و مطالعه زمین و گردشگری برای همه انسان‌ها امکان‌پذیر است؛ زیرا انسان با تفکر و تدبیر در پدیده‌های جهان، به نظم کامل و پیوسته اجزای آن پی می‌برد و برای او ثابت می‌شود که خداوند متعال تنها صانع جهان است. لذا امام علی علیه السلام در خطبه ۴۹ نهج البلاغه می‌فرماید: «ستایش خداوندی را سزاست که از اسرار نهان‌ها آگاه است و نشانه‌های

آشکاری در سراسر هستی بر وجود او شهادت می‌دهند. هرگز برابر چشم بینندگان ظاهر نمی‌گردد. نه چشم کسی که او را ندیده، می‌تواند انکارش کند و نه قلبی که او را شناخته، می‌تواند مشاهده‌اش نماید. در والایی و برتری بر همه پیشی گرفته است. پس، از او برتر چیزی نیست و آن چنان به مخلوقات نزدیک است که از او نزدیک‌تر چیزی نمی‌تواند باشد. مرتبه بلند او را از پدیده‌های دور نساخته، اما از معرفت و شناسایی خود باز نداشته است. پس اوست که همه نشانه‌های هستی بر وجود او گواهی می‌دهند و دل‌های منکران را بر اقرار به وجودش وا داشته است. خدایی که برتر است از گفتار آنان که وی را به مخلوقات تشبیه کنند و یا انکارش نمایند» (رضایی، ۱۳۸۷، ص ۴۷).

۲. باور به آفرینش هستی با علم و حکمت

از دیگر موضوعاتی که در نهج‌البلاغه تبیین گردیده، مسئله آفرینش هستی با علم و حکمت است. امیرالمؤمنین علیه السلام با بینشی عمیق، هدف و مقصود مشخصی را برای آفرینش هستی و انسان‌ها تبیین نموده است؛ زیرا خلقت این نظام آفرینش و انسان‌ها همگی دارای هدف بوده و هرگز نمی‌تواند بدون هدف و باطل باشد: «آفریننده هستی، نظام تکوین را بر اساس علم و حکمت آفریده است و همه موجودات هستی را در یک مجموعه کاملاً مرتبط و هماهنگ خلق نموده است؛ به گونه‌ای که هر یک از موجودات اعم از بسیط و مرکب در مجموعه هستی نقش شایسته خود را ایفا می‌کنند» (فضل الله، ۱۴۱۹، ص ۲۲۱). امام علی علیه السلام همچنین به موضوع آفرینش هستی بدون سابقه قبلی اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «خلق را ایجاد نمود و بدون نیاز به اندیشه و فکر و استفاده از تجربه، آفرینش را آغاز کرد و بی‌آنکه حرکتی ایجاد کند و تصمیم آمیخته با اضطراری در او راه داشته باشد، جهان را ایجاد نمود. پدید آمدن هر یک از موجودات را به وقت مناسب خود موکول ساخت و در میان موجودات، با طبایع متضاد هماهنگی برقرار نمود و در هر کدام، طبیعت و گزینه مخصوص به خودشان را آفرید و آن غرائز را ملازم و همراه آنها گردانید. او پیش از آنکه آنها را بیافریند، از تمام جزئیات و جوانب آنها آگاه بود و به حدود و پایان آنها احاطه داشت و به اسرار درون و برون آنها آشنا بود» (خطبه ۱).

همچنین آن حضرت می‌فرماید: «وَلَوْ ضَرَبَتْ فِي مَذَاهِبِ فِكْرِكَ لَتَبْلُغَ غَايَاتِهِ مَا دَلَّتَكَ الدَّلَالَةُ إِلَّا عَلَى أَنَّ فَاطِمَةَ التَّمَلَّةِ هُوَ فَاطِمَةُ النَّخْلَةِ لِذَقِيقِ تَفْصِيلِ كُلِّ شَيْءٍ وَ غَامِضِ اخْتِلَافِ كُلِّ حَيٍّ



وَمَا الْجَلِيلُ وَاللَّطِيفُ وَالثَّقِيلُ وَالنَّخْفِيُّ وَالْقَوِيُّ وَالضَّعِيفُ فِي خَلْقِهِ إِلَّا سَوَاءً؛ «اگر راه‌های اندیشه‌ات را درنوردی تا به پایانه‌های آن بررسی، هیچ دلیلی تو را جز به این رهنمون نشود که آفریننده مورچه همان آفریننده درخت خرماست و این به سبب دقت و ظرافتی است که در جداسازی هر چیزی از چیز دیگر وجود دارد و پیچیدگی و تنوعی است که در هر موجود زنده‌ای به کار رفته است. موجودات بزرگ و کوچک، سنگین، سبک، نیرومند و ناتوان، همگی در آفرینش برای خداوند یکسان‌اند» (خطبه ۱۸۵).

۳. اعتقاد به علم لایتناهی خداوند

علم خداوند به امور و پدیده‌ها و همه افراد از هر کس و هر چیز بیشتر است؛ همان‌طور که امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «أَلَا إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ كَشَفَ الْخَلْقَ كَشْفَةً لَا أَنَّهُ جَهْلَ مَا أَخْفَوْهُ مِنْ مَصُونٍ أَسْرَارِهِمْ وَ مَكْنُونٍ ضَمَائِرِهِمْ وَ لَكِنْ لِيُبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا فَيَكُونَنَّ الثَّوَابُ جَزَاءً وَ الْعِقَابُ بَوَاءً»؛ «آگاه باشید که خداوند همه اسرار درون و حالات نهانی خلق را (با آنچه از امور دینی که با زبان پیامبران آنان را مکلف به انجام آن ساخت) ظاهر و آشکار ساخت. این آشکار نمودن نهان‌ها نه به سبب این بود که او به چیزهایی که مردم در درون خود نهان دارند آگاهی نداشت، بلکه برای آزمودن بندگانش بود که عمل کدام یک بهتر است تا ثواب پاداش نیکوکاران و عقاب کیفر بدکاران باشد» (خطبه ۱۴۴؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۴۰).

همچنین در خطبه ۱۹۸ آن حضرت به علم بی‌پایان خداوند در چهار پدیده از پدیده‌های جهان که چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد، انگشت گذاشته و می‌فرماید: خداوند صدای حیوانات وحشی را در بیابان‌ها و گناه بنده‌ها را در خلوت‌گاه‌ها و رفت و آمد ماهیان و تلاطم امواج آب را به سبب وزش تندبادها می‌داند و از همه این جزئیات با خبر است؛ زیرا خداوند یک حقیقت لایتناهی است.

۴. پرهیز از خلف وعده

خداوند به تمام وعده‌هایی که داده است، عمل می‌کند و هرگز خلف وعده نمی‌کند؛ زیرا «خلف وعده قبیح و صدور آن از خداوند محال است» (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۲۶۰). قرآن بر این حقیقت تصریح دارد که وعده الهی تخلف‌ناپذیر است: (... الْإِنِّ أَنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا) (قرآن کریم، ۱۰: ۵۵). از آنجا که قول خداوند همان فعل اوست، وعده او همان رفتاری است که با بندگان خود خواهد داشت.

این رفتار فعلاً برای ما غایب است و جنبه آینده را دارد، ولی برای خدای تعالی نه غایب است و نه جنبه آینده دارد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۱۱۲)؛ چنان که در جایی دیگر تصریح شده که آنچه به انسان‌ها (در باره قیامت) وعده داده می‌شود: «لِنَمَّا تُوعَدُونَ لَوَاقِعِ» (قرآن کریم، ۷۷: ۷) به حقیقت می‌پیوندد. از نظر علامه طباطبایی این آیات و آیات دیگر، بر حتمی بودن وقوع وعده‌های خداوند تأکید می‌کند تا آنجا که حتی گمان تخلف این وعده‌ها نیز صحیح نیست (طباطبایی، ۱۳۷۵، ج ۱۰، ص ۱۱۰). لازم به ذکر است که در قرآن کریم ۳۵ آیه دلالت بر حقیقت وعده‌های خداوند می‌کند.

در نهج البلاغه نیز این مسئله انعکاس یافته است و تذکر داده شده که انسان باید از خلف وعده بپرهیزد؛ زیرا تبعات منفی آن دامن‌گیر انسان می‌شود: «وایاک... آن تَعَدَّهُمْ فَتَتَّبِعَ مَوْعِدَكَ بِخُلْفِكَ... فَإِنَّ الْخُلْفَ يوجبُ الْمَقْتَّ عِنْدَ اللَّهِ وَ النَّاسِ» (نامه ۵۳). همچنین آن حضرت می‌فرماید: «[یا مالک] وَإِنْ عَقَدْتَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ عَدُوِّكَ عُقْدَةً، أَوْ أَلْبَسْتَهُ مِنْكَ ذِمَّةً، فَحُطِّ عَهْدَكَ بِالْوَفَاءِ، وَازْعَ ذِمَّتَكَ بِالْأَمَانَةِ، وَاجْعَلْ نَفْسَكَ جُنَّةً دُونَ مَا أُعْطِيَتْ»؛ «ای مالک! اگر بین خود و دشمنت پیمانی بستنی یا وعده پناه دادن را به او دادی، جامه وفا را بر عهد خویش بیوشان و تعهدات خود را محترم بشمار و برای حفظ آنها سینه خود را سپر قرار بده» (نامه ۵۳).

۵. توکل بر خداوند

انسان‌ها تنها باید بر خداوند توکل کنند و او به تنهایی بنده را کفایت می‌کند؛ زیرا او پناه‌گاهی مطمئن و نیرومند است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «توکل بر خدا یعنی اظهار عجز خود و اعتماد به او که کارگزاری والا و بلندمرتبه است برای کسی که به او اعتماد کند؛ زیرا کسی که از روی اعتماد توکل کند، حق تعالی کارگزاری همه کارهای ضروری او را به عهده می‌گیرد (دین‌پرور و دیگران، ۱۳۷۹ش، ج ۱، ص ۲۳۰). در قرآن نیز توکل بر خدا این چنین برای بندگان تعریف شده است: (وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ) (قرآن کریم، ۶۵: ۳)؛ «هر که بر خدا توکل کند، خدا او را کافی است». همچنین آن حضرت در بخشی از نامه ۳۱ نهج البلاغه به امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «در



تمام کارهایت خود را به خدا بسپار که اگر چنین کنی، خود را به پناه‌گاهی مطمئن و نیرومند سپرده‌ای».

۶. بهره‌گیری از فرصت دعا به درگاه الهی

خداوند به بندگانش بسیار نزدیک است، فریادشان را می‌شنود و اجابت می‌کند؛ امام علی علیه السلام به فرزند خود امام حسن علیه السلام در مورد نشانه‌های رحمت الهی و دعا کردن به درگاهش می‌فرماید: «فرزندم بدان که خداوندی که خزائن آسمان‌ها و زمین به دست اوست، تو را رخصت دعا داده و خود اجابت آن را بر عهده گرفته است و از تو خواسته که از او بخواهی تا عطایت کند و از او آموزش طلبی تا بیامرزدت و میان تو و خود، هیچ‌کس را حجاب قرار نداده و تو را به کسی وا نگذاشت که در نزد او شفاعت کند...» (نامه ۳۱).

ب) شناخت نسبت به جهان هستی

تمام انسان‌ها به جهانی که در آن زندگی می‌کنند، شناختی نسبی دارند و به صورت غریزی برآند که به آموزه‌های شناختی خود بیفزایند. انسان‌هایی که شخصیت سالمی دارند، دیدگاه‌شان نسبت به این جهان دو ویژگی خاص یعنی «هدفمند دانستن جهان هستی» و «تسلیم بودن در برابر قضای الهی» دارد. در نهج‌البلاغه به این دو توجه داده شده است:

۱. هدفمند دانستن جهان هستی

خداوند جهان هستی را هدفمند آفریده است که از روی حکمت جریان دارد. این هدفمندی در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام به بقا و زندگی جاوید تعبیر شده است: «فَتَرَوُودَا فِي أَيَّامِ الْفَنَاءِ لَا يَأْتِي الْبَقَاءَ»؛ «در این دنیای نابودشدنی، برای زندگی جاوید آخرت، توشه بگیرید» (حکمت ۱۵۷).

۲. تسلیم بودن در برابر قضای الهی

تسلیم بودن در برابر قضای الهی یک ویژگی است که در اثر شناخت انسان نسبت به جهان هستی در فرد ایجاد می‌شود. در واقع، اگر چنین شناختی برای انسان به وجود آید، انسان در تمام امورات زندگی خود در برابر قضای الهی سر تسلیم فرود می‌آورد و بدانچه خداوند برای آنها رقم زده، راضی است. این ویژگی سبب می‌شود تا انسان در زندگی خود از آسایش و آرامش نسبی برخوردار باشد. این امر نکته‌ای است که مورد اشاره امیرالمؤمنین علیه السلام قرار گرفته است: «مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِمَا



قَسَمَ لَهُ اسْتَرَاحَ بَدَنُهُ؛ «هرکس بدانچه خدا برای او تقسیم کرده راضی باشد، بدنش استراحت و آسایش می‌یابد» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۳۲؛ مجلسی، ۱۳۷۹، ج ۶۸، ص ۱۳۹).

بنابراین، انسان دارای شخصیت سالم باید یک شناخت کلی نسبت به جهانی که در آن زندگی می‌کند، داشته باشد و باید به این شناخت برسد که این جهان هدفمند دارای یک خالق حکیم است که کار عبس و بیهوده انجام نمی‌دهد و تمام مخلوقات به سبب حکمتش تسلیم قضای او هستند. در این صورت گرایشات او در بعد قلبی به سوی حقیقت رهنمون می‌شود و منش او در بعد رفتار نیز به صورتی مقبول شکل می‌گیرد.

ج) شناخت خود

انسان‌ها نسبت به محیطی که در آن زندگی می‌کنند، شناختی نسبی دارند. حتی نسبت به اطرافیان‌شان نیز یک شناخت اجمالی دارند. اما طبیعت انسان‌ها اقتضا می‌کند شناخت خودش نسبت به دیگران بیشتر باشد و این صریح آیه‌ای است که انسان را نسبت به نفس خویش آگاه و بصیر معرفی می‌کند: (بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ) (قرآن کریم، ۷۵: ۱۴). امیرالمؤمنین علیه السلام نیز به این ویژگی انسان اشاره کرده و نتایج آن را نیز بیان داشته است: «أَفْضَلُ الْعَقْلِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ، فَمَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ عَقْلًا، وَمَنْ جَهَلَهُ أَضَلَّ»؛ برترین خرد خودشناسی انسان است. پس هرکه خود را شناخت، خردمند شد و هرکه خود را نشناخت، گمراه گشت (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۵۲).

ویژگی خودشناسی انسان که در متون اسلامی از آن به «معرفة النفس» تعبیر می‌شود، پرفایده‌ترین معارفی است که انسان می‌تواند در سایه آن به مدارج بالای معرفت و شناخت که همانا معرفت به پروردگار است، برسد: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۶). از جمله مصادیق خودشناسی انسان آن است که انسان خود را خلیفه خدا در زمین، ملاقات‌کننده خداوند و پذیرنده مرگ به عنوان پایان زندگی دنیوی بداند.

۱. خلیفه بودن انسان

انسان‌ها به عنوان خلیفه و جانشین خداوند در زمین زندگی می‌کنند. این جانشینی آن‌گونه که در نهج‌البلاغه تعریف شده، بدین معناست که انسان چون جانشین خداست، دعوت‌گر به دین

اوست: «أُولَئِكَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَالدُّعَاةُ إِلَى دِينِهِ» (حکمت ۱۴۷). آن حضرت در جای دیگر از خودش به عنوان خلیفه الهی البته نه به معنای خلافت ظاهری و سیاسی زمینی و دنیوی، یاد کرده است (حسن‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۵۷).

۲. یقین به ملاقات با خداوند با چشم دل

انسان‌های مؤمن در قیامت پس از حساب نامه اعمالشان به لقای خداوند نایل می‌آیند. ذعلب یمانی از امام علی علیه السلام پرسید: «هَلْ رَأَيْتَ رَبَّكَ؟»؛ آیا خدای خود را دیده‌ای؟ امام علیه السلام فرمود: «أَفَأَعْبُدُ مَا لَا أَرَى؟»؛ آیا خدایی را که نبینم، پرستش کنم؟ و هنگامی که او توضیح بیشتر خواست، امام علیه السلام اضافه کرد: «لَا تُدْرِكُهُ الْعُيُونُ بِمُشَاهَدَةِ الْعِيَانِ وَ لَكِنْ تُدْرِكُهُ الْقُلُوبُ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ» (خطبه ۱۷۹؛ دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۶۷). چشم‌های ظاهر هرگز او را مشاهده نکنند، بلکه قلب‌ها به وسیله نور ایمان او را درک می‌کنند. به عبارتی، این حالت شهود باطنی در قیامت برای همگان پیدا می‌شود؛ چراکه آثار عظمت و قدرت خدا در آنجا چنان آشکار است که هر کوردلی به یقین می‌رسد (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۶۳۷).

۳. مرگ‌پذیر بودن

انسان مؤمن مرگ را قبول دارد و می‌داند که سرانجام هر انسانی مرگ است. امیرالمؤمنین علیه السلام هنگام موعظه مردم می‌فرماید: «فَإِنَّهُ وَاللَّهِ الْجِدُّ لَا اللَّعْبُ وَالْحَقُّ لَا الْكُذِبُ وَمَا هُوَ إِلَّا الْمَوْتُ أَسْمَعَ دَاعِيهِ وَ أَعْجَلَ حَادِيهِ»؛ به خدا سوگند آنچه می‌گوییم، جدی است، بازی نیست و حق است، دروغ نیست. آن چیز جز مرگ نیست که بانگ فراخوان آن رسا و به سرعت همه را می‌میراند (خطبه ۱۳۲) و در جایی دیگر می‌فرماید: «أَمَّا وَاللَّهِ إِنِّي لَيَمْنَعُنِي مِنَ اللَّعِبِ ذِكْرُ الْمَوْتِ وَإِنَّهُ لَيَمْنَعُهُ مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ نِسْيَانُ الْآخِرَةِ»؛ «آگاه باشید به خدا سوگند یاد مرگ مرا از شوخی و کارهای بیهوده باز می‌دارد» (خطبه ۸۳). همچنین آن حضرت می‌فرماید: «كُنْتُ فِي إِدْبَارِ، وَالْمَوْتُ فِي إِقْبَالِ، فَمَا أَسْرَعَ»؛ «در حالی که تو به زندگی پشت می‌کنی و مرگ به تو روی می‌آورد، ملاقات (با یکدیگر) چه سریع خواهد بود!» (حکمت ۲۹).



بنابراین هر انسانی باید یک شناخت کلی و جامع نسبت به خود داشته باشد. به این صورت که بداند جایگاهش در روی زمین به عنوان خلیفه است که اگر در مسیر درست و الهی قدم بردارد و دعوت‌گر بندگان به راه صواب و نیکی و دین خدا باشد، بعد از مرگ به ملاقات الهی نایل می‌آید.

دوم. مؤلفه‌های گرایشی و گروهی (قلبی)

انسان‌ها در برابر اتفاقات زندگی با دو راهی انتخاب قلبی و عاطفی مواجه می‌شوند. این مواجهه با اندوه، شادی، بیم، امید، خشم و کظم خود را نمایان می‌سازد. از طرفی انسان بدون عاطفه نمی‌تواند با دیگران ارتباط خوبی بگیرد و معمولاً چنین افرادی بیشتر در تنهایی و انزوا به سر می‌برند. در نهج‌البلاغه سخنان و موعظه‌هایی بیان شده است که می‌توان آنها را ناظر به بعد عاطفی انسان‌ها دانست. این سخنان گواه بر آن است که این بعد از شخصیت انسان سالم متأثر از ویژگی‌های اخلاقی است که نبود آنها تراز انسان سالم از منظر امام علی علیه السلام می‌باشد. برخی از این موارد به قرار ذیل است:

۱. پرهیز از تکبر و فخر فروشی

ویژگی اعتدال در انسان سالم این گونه است که وقتی چیزی را کسب می‌کند یا از دست می‌دهد، دچار غرور، تکبر و فخر فروشی نمی‌شود؛ امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «ضَعْفُ فَخْرِكَ وَ اِحْطُطُ كِبْرِكَ وَ اذْكَرُ قَبْرِكَ»؛ «فخر فروشی را کنار بگذار، تکبر و خودبزرگ‌بینی‌ات را رها کن و قبرت را به یاد آور» (حکمت ۳۹۸).

۲. پرهیز از کوتاهی در عمل

ایمان و عمل انسان اگر در راه صحیح و در مسیر الهی باشد، به آرامش و سکون منتهی می‌شود. در مقابل، کوتاهی در عمل، اندوه و سلب آرامش روحی را در پی دارد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ قَصَرَ فِي الْعَمَلِ ابْتُلِيَ بِأَلْهَمٍ»؛ «آن کس که در عمل کوتاهی کند، دچار اندوه می‌شود» (حکمت ۱۲۷). همچنین آن حضرت در نامه خود به فرزندش امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «غم و اندوه خود را در پیشگاه خداوند مطرح کن تا غم‌های تو را برطرف کند و در مشکلات تو را یاری رساند» (نامه ۳۱).



۳. پیشگیری از بیماری روانی

در قرن حاضر که به قرن بیماری روانی نام بردار شده، بحث از سلامت روان یا بهداشت روانی حایز اهمیت است. امام علی علیه السلام در نهج البلاغه عدم افسردگی، نبود ترس و اضطراب را از نشانه‌های شخصیت سالم دانسته است: «این قلب‌ها افسرده می‌شوند همچون بدن‌ها، برای رفع ملامت آنها، سخنان حکمت‌آمیز و جالب انتخاب کنید» (خطبه ۹۱). همچنین آن حضرت می‌فرماید: «إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ؛ از دست دادن فرصت‌ها غصه‌آفرین است» (حکمت ۱۱۸). این بدان معناست که استفاده از فرصت‌ها آرام‌بخش روح و روان آدمی خواهد بود.

۴. بهره‌گیری از استغفار

انسان سالم گناه نمی‌کند. اگر لغزشی داشته باشد، استغفار می‌کند و ناامید نمی‌شود؛ امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وَمَنْ أُعْطِيَ الْإِسْتِغْفَارَ لَمْ يَحْرَمِ الْمَغْفِرَةَ»؛ «کسی که توفیق استغفار یافته است، از آمرزش محروم نمی‌شود» (حکمت ۱۳۵). آن حضرت در سخنی دیگری می‌فرماید: «أَكْثِرُوا مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَعْلَمْكُمْ إِلَّا وَهُوَ يَرِيدُ أَنْ يَغْفِرَ لَكُمْ»؛ «زیاد استغفار کنید، زیرا خداوند عزوجل استغفار را به شما نیاموخته مگر بدین جهت که می‌خواهد شما را بیامرزد» (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۸۴). بر اساس روایات، تأثیر استغفار در برطرف شدن مشکلات، همم (جمع هم) و غم‌ها و فزونی ثروت قابل انکار نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۱۲۰).

۵. پرهیز از حس حقارت

احساس حقارت و بی‌ارزشی هم در روایات و هم در علم روان‌شناسی ضد ارزش است و از اخلاق ناپسند شمرده می‌شود. این حس در انسان‌های سالم جایی ندارد. امام علی علیه السلام نیز احساس حقارت را منشأ نفاق و دورویی می‌داند: «نفاق المرء من ذلَّ يَجِدُهُ فِي نَفْسِهِ» (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۴۵۹) و در روایت دیگری همین احساس را سبب فخرفروشی و خودبه‌ترپنداری کاذب معرفی می‌کند: «الافتخار من صغر الأقدار»؛ «فخرفروشی به دیگران و به خود نازیدن از بی‌مقداری و نشانه حقارت و پستی است» (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۳۰۸)؛ زیرا کسی که حقیقتاً بلندمرتبه است، به هیچ فضیلت و مرتبتی فخر نمی‌ورزد (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۶۳).

۶. کنترل خشم و خشونت

قوه غضبیه از نعمت‌های خداوند برای بشر و سبب بقای نسل اوست. از طرفی، کنترل صحیح خشم و خشونت ویژگی خاص انسان سالم است که می‌تواند او را به عالم ملکوت پرواز دهد. امام علی علیه السلام در نامه‌ای به حارث همدانی می‌فرماید: «وَ أَكْظِمِ الْغَيْظَ وَ احْلُمْ عِنْدَ الْغَضَبِ وَ تَجَاوَزْ عِنْدَ الْمَقْدَرَةِ تَجَاوَزْ عِنْدَ الْمَقْدَرَةِ وَ احْلُمْ عِنْدَ الْغَضَبِ وَ اصْفَحْ مَعَ الدَّوْلَةِ تَكُنْ لَكَ الْعَاقِبَةُ»؛ «خشم را فرو خور و به هنگام توانایی، گذشت کن و در هنگام عصبانیت، بردبار باش و در وقت چیرگی، بیخشی تا سرانجامت نیکو باشد» (نامه ۶۹). از منظر امام علی علیه السلام انسان‌های متقی خشم خود را کنترل می‌کنند؛ زیرا غضب، ایمان را فاسد کرده، موجب می‌شود تا انسان تجلی‌گاه جهنم شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز تأثیر منفی غضب در از بین بردن ایمان را به تأثیر فاسد شدن غسل به وسیله سرکه تشبیه کرده است: «الْغَضَبُ يَفْسِدُ الْإِيمَانَ كَمَا يَفْسِدُ الْخَلُّ الْغَسْلَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۰۲)؛ بنابراین، کنترل خشم نقش بسیار مهمی در حفظ ایمان و اعتلای آن در انسان سالم ایفا می‌کند.

۷. خودداری از برتری طلبی

روحیه برتری‌جویی یکی از ردائل اخلاقی است و پیامبران الهی همیشه با این رذیله مقابله و مبارزه می‌نمودند. به همین دلیل، انسانی که دارای شخصیت سالم است برتری‌جویی نمی‌ورزد؛ چنانکه امام علی علیه السلام خود را چنان معرفی می‌کند که به دلیل برخورداری از شخصیت سالم برتری‌جویی ندارد و تکبر نیز نمی‌ورزد: «من از کسانی هستم که در راه خدا از هیچ ملامتی نمی‌ترسند. نه تکبر می‌ورزند و نه علو و برتری‌جویی دارند» (خطبه ۱۹۲). همچنین فرمودند: «گاه می‌شود که انسان از این لذت می‌برد که بند کفش او از بند کفش دوستش بهتر باشد. بدین جهت این هم شاخه کوچکی از برتری‌جویی است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۹).

۸. دوری از حسادت

حسادت از جمله گناهای است که در روح انسان رشد می‌کند و زیان‌ها و عوارض ناخوشایند بسیاری را بر او تحمیل می‌کند. حسادت اعتقاد و ایمان را به تدریج از بین می‌برد چنانکه آتش هیزم را نابود می‌سازد: «إِنَّ الْحَسَدَ لَيَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۰۶)؛

مجلسی، ۱۳۷۴، ص ۲۵۷) و راحتی و آرامش را از انسان سلب می‌کند: «لا راحةٍ لِحَسُودٍ» (حکمت ۲۲۵)؛ زیرا حسادت جز زیان و خشم، نتیجه‌ای دیگر ندارد. امام علی علیه السلام افزون بر اشاره به آثار شوم معنوی و اخلاقی حسد، به آثار زیانبار جسمی این رذیله اخلاقی نیز توجه داده است: «الحَسَدُ لَا يَجْلِبُ إِلَّا مَضْرَّةً وَ غَيْظًا، يُوهِنُ قَلْبَكَ وَ يُمْرِضُ جِسْمَكَ وَ شَرُّ مَا اسْتَشَعَرَ قَلْبَ الْمَرْءِ الْحَسَدُ»؛ «حسادت جز غیظ و ضرر برای تو نتیجه نمی‌دهد. قلبت را ضعیف و بدنت را رنجور می‌کند و از بدترین عارضه‌های قلبی است» (کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۳۷). از نظر امام علی علیه السلام حسد نه تنها عوارض اخلاقی و روحی دارد، بلکه منشأ عوارض جسمی نیز هست و هر چه حسد کمتر باشد، تندرستی بدن نیز بیشتر است: «صِحَّةُ الْجَسَدِ مِنْ قَلَّةِ الْحَسَدِ»؛ یعنی سلامت تن در کم بودن حسد (حکمت ۲۵۶؛ نمازی شاهرودی، ۱۳۹۵، ص ۲۵۱) یا دوری از آن است (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۶۸۳).

۹. تملق ناپذیری

روحیه تملق و چاپلوسی از صفات زشتی است که با ایمان به خداوند سازگاری ندارد؛ لذا شخصیت سالم تملق‌پذیر نیست. پیشوایان دین اسلام خود عملاً از تملق بیزار بوده‌اند و یاران و پیروان خود را از آن بر حذر داشته‌اند و به مبارزه با آن ترغیب کرده‌اند. امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر سفارش فرمودند: «تو نباید دنبال کارگزاران متملق و چاپلوس نباشی، بلکه باید دنبال فردی باشی که حقایق را با زبان کارشناسی و علمی و پیش‌بینی اوضاع و چگونگی وضع جامعه برایت بازگو کند» (نامه ۵۳).

۱۰. محبت و دوستی

انسان سالم به محبت و دوستی نسبت به خدا، خود و دیگران کوتاهی نمی‌کند. امام علی علیه السلام در این گفتار حکیمانه به آثار محبت و دوستی با مردم اشاره می‌فرماید: «التَّوَدُّدُ نِصْفُ الْعُقُلِ»؛ «دوستی کردن نیمی از خردمندی است» (حکمت ۱۴۲). همچنین آن حضرت نظر به اهمیت محبت و دوستی، سه صفت اخلاقی «انصاف در معاشرت، همدردی با دیگران در خوشی و ناخوشی، و برخورد با افراد با قلب پاک و سالم» (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۷۸، ص ۸۲) را برای به دست آوردن محبت دیگران و طرح دوستی با آنان معرفی می‌کند.

سوم. مؤلفه‌های روشی و منشی (ویژگی رفتاری)

سومین مؤلفه برای شخصیت سالم در نهج البلاغه ویژگی رفتاری است که در روش و منش

انسان تبلور می‌یابد. در نهج البلاغه بسیار بر نقش عمل صالح در رستگاری و رسیدن به حیات طیبه که ناظر به بعد روحانی انسان است، تأکید شده است. همین بعد روحانی که حقیقت وجودی انسان است، انسان را شخصیتی فرازمانی و فرازمینی می‌کند. این امر اگر چه تشکیکی است و می‌تواند به برخی از رفتارهای شایسته مزین باشد، ممکن است در مواردی نیز دچار کاستی و سستی گردد. در نهج البلاغه به برخی ویژگی‌های رفتاری تنبّه داده شده که توجه بدانها انسان را در تراز نهج البلاغه قرار می‌دهد:

۱. حبّ الهی

انسانی که محبّ خداوند باشد، محبوب خداوند قرار می‌گیرد (قرآن کریم، آل عمران: ۳۱)؛ زیرا محبت و عظمت الهی او را چنان در بر گرفته که جز خدا را نمی‌بیند و غیر خدا در نگاهش کوچک است و خداوند در جانش بسیار بزرگ: «عَظَمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ» (خطبه ۱۹۳).

۲. یاد خدا

انسان سالم در هر لحظه از لحظات زندگی به یاد خداوند است و عالم را محضر خدا و خود را در محضر او می‌داند. امام علی علیه السلام یاد خدا را نشانه پرهیزگاران دانسته (خطبه ۱۹۳) و هنگام تلاوت (فی بیوتِ اذنِ الله ان ترفعَ و يذكرَ فيها اسمُه يسبحُ له فيها بالغدو و الاصال) (قرآن کریم، ۲۴: ۳۶) کسی را که همیشه به یاد خدا باشد، از «اهل ذکر» نامیده است. گویا به همین دلیل است که آن حضرت خدا را نه از ترس آتش جهنم و نه به شوق بهشت عبادت نمی‌کند، بلکه او را چون سزاوار عبادت است، عبادت می‌کند. امام علی علیه السلام که خود اسوه شخصیت سالم هست، به وجود این ویژگی در خود چنین اشاره نموده‌اند: «مَا عَبْدُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكَ وَلَا طَمَعًا فِي جَنَّتِكَ لَكِنْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ»؛ «من تو را به خاطر بیم از کيفرت یا به خاطر طمع در بهشتت پرستش نکرده‌ام، بلکه تو را بدان جهت که شایسته پرستش یافتن، پرستش کردم» (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۷۶، ص ۱۸۶). در نظر امام علی علیه السلام انسان‌های سالم که یاد خدا را همیشه در نظر دارند، از آنها به «الأدلة فی القلوات» یعنی نشانه‌های روشن خداوند در بیابان‌ها یاد می‌کند که بشارت می‌دهند و هدایت می‌کنند (خطبه ۲۲۲).



۳. تقوای الهی و ترس از خدا

انسان سالم می‌داند که تنها کسی که باید در این دنیا از او بترسد، خداوند است. امام علی علیه السلام هشت فایده تقوای الهی و ترس از خدا را چنین بیان نموده است: «تَقْوَى اللَّهِ دَوَاءٌ دَاءٍ قُلُوبِكُمْ، وَ بَصَرٌ عَمَى أَفْئِدَتِكُمْ، وَ شِفَاءٌ مَرَضِ أَجْسَادِكُمْ، وَ صَلَاحٌ فِسَادِ صُدُورِكُمْ، وَ ظَهْوَرٌ دَنَسِ أَنْفُسِكُمْ، وَ جَلَاءٌ عَشَا أَبْصَارِكُمْ، وَ أَمْنٌ فَرَعِ جَائِشِكُمْ، وَ ضِيَاءٌ سَوَادِ ظُلْمَتِكُمْ». همانا تقوای خدا داروی درد قلب‌های شما و بیناکننده کوری دل‌هایتان و شفافبخش بیماری جسم‌هایتان و برطرف‌کننده تباهی سینه‌هایتان و پاک‌کننده آلودگی جان‌هایتان و روشنی‌بخش ضعف چشم‌هایتان و فرونشاندنده ترس و اضطراب دل‌هایتان و زداینده سیاهی ظلمتتان است (خطبه ۱۹۸)؛ بنابراین، ویژگی شخصیت سالم آن است که برای دستیابی به فواید مطرح شده از سوی امام علی علیه السلام تقوای الهی را مراعات کند.

۴. توجه همزمان به دنیا و آخرت

بدون شک اشتراکات و اختلافاتی بین زندگی این جهان و حیات اخروی وجود دارد. اما این دنیا پلی برای رسیدن به آن دنیا بوده که انسان سالم باید با دقت و مراقبت اعمال خود آن دنیا را آباد کند و تنها به فکر آبادی این دنیای فانی خود نباشد. در این باره مولای متقیان علی علیه السلام می‌فرمایند: «إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٌ وَالْآخِرَةُ دَارٌ مُسْتَقَرٌّ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرِكُمْ لِمُسْتَقَرِّكُمْ، وَلَا تَهْتِكُوا أَسْتَارَكُمْ عِنْدَ مَنْ يَعْلَمُ أَسْرَارَكُمْ»؛ «دنیا در حقیقت، سرای گذر است و آخرت، سرای ماندن. پس، از گذرگاه خود، برای سرای باقی توشه بگیرید و پرده‌هایتان را در نزد کسی که رازهای شما را می‌داند، ندرید» (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۸۷).

امام علی علیه السلام توجه همزمان به دنیا و آخرت را در خطاب به نوف بکالی از ویژگی‌های رفتاری افرادی می‌شمارد که در دنیا زهد می‌ورزند و به آخرت رغبت دارند و در ادامه، دیگر ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری آنان را بر می‌شمارد. نوف می‌گوید: شبی امیرالمؤمنین علیه السلام را دیدم از بستر خود بیرون آمدند و نگاهی به ستارگان انداختند و فرمودند: نوف! خوابی یا بیدار؟ عرض کردم: بیدارم. حضرت فرمودند: «طُوبَى لِلرَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاهِبِينَ فِي الْآخِرَةِ... ثُمَّ قَرَضُوا الدُّنْيَا قَرْضًا عَلَى مِنْهَاجِ الْمَسِيحِ»؛ «خوشا به حال آنان که دل از این دنیا کنده و به آن جهان دل بسته‌اند... و سپس چون مسیح علیه السلام دنیا را از خود دور ساخته‌اند» (حکمت ۱۰۱).

۵. شکیبایی در مشکلات

انسان سالم نه تنها در اندیشه، عبادت و رفتار پایبند به دین است و در این پایبندی صبر پیشه می‌کند، در مشکلات و سختی‌های زندگی نیز شکیبایی می‌ورزد؛ زیرا همیشه در بوته آزمایش است تا از این طریق شاکر بودن یا شکیبیا بودن او شناخته شود. امام علی علیه السلام ویژگی شکیبایی ورزیدن انسان سالم را قرین شاکر بودن او در تنگی و وسعت روزی دانسته و آن را چنین به تصویر کشیده است: «وَقَدَّرَ الْأَرْزَاقَ فَكَثَّرَهَا وَقَلَّلَهَا وَقَسَمَهَا عَلَى الضَّيِّقِ وَالسَّعَةِ فَعَدَلَ فِيهَا لِيَبْتَلِيَ مَنْ أَرَادَ بِمَيْسُورِهَا وَمَعْسُورِهَا وَيُخْتَبِرَ بِذَلِكَ الشُّكْرَ وَالصَّبْرَ مِنْ غَنِيِّهَا وَفَقِيرِهَا...»؛ «روزی انسان‌ها را اندازه‌گیری و مقدر فرمود. گاهی آن را زیاد و زمانی کم می‌کند و به تنگی و وسعت آن را [عادلان] تقسیم کرد تا هر کس را که بخواهد با تنگی روزی یا وسعت آن بیازماید، و با شکر و صبر، غنی و فقیر را مورد آزمایش قرار دهد...» (خطبه ۹۱).

۶. عمل به وظیفه

از ویژگی‌های انسان سالم در حیطه رفتاری عمل به وظیفه شخصی و واگذار نکردن و تحمیل نمودن کارهای خود به دیگران است؛ زیرا کار و تلاش نزد او اهمیت و ارزش دارد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: کشیدن سنگ‌های گران از قله‌های کوه، نزد من از منت دیگران کشیدن محبوب‌تر است. مردم به من می‌گویند: کار برای تو عیب است و حال آنکه عیب آن است که انسان دست کمک نزد مردم دراز کند (قربشی، ۱۳۶۶، ص ۶).

در سیره حکومتی و اجتماعی امام علی علیه السلام عمل به وظیفه یا ترک آن منشأ عدالت اجتماعی است تا آنجا که برای کننده کار ایجاد حق می‌کند. این مطلب در نامه آن حضرت به عامل خود به نام قرظة بن کعب به صراحت بیان شده است: «... از من خواستند که به تو بنویسم که آنان را به کار وادار کنی و مردم را برای حفر نهر گردآوری... به نظر من کسی را نباید به کاری که نمی‌خواهد مجبور ساخت. آنان را به نزد خود بخوان، اگر نهر آن چنان باشد که تعریف کرده‌اند، هرکسی که بخواهد کار کند، او را به کار بخوان و نهر باید از آن کسانی باشد که کار کرده‌اند، نه کسانی که در آن شرکت نجسته‌اند» (جرdaq، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۳۶-۲۳۵).

۷. عدالت اجتماعی و اقتصادی

انسان سالم سرلوحه کار خود را عدالت اجتماعی و اقتصادی قرار می‌دهد و حتی زشتی گروهی مخالف، او را به ستمگری وا نمی‌دارد؛ زیرا عدالت مایه قوام زندگی بشر و پاک ماندن از ظلم و ستمکاری‌هاست. امام علی علیه السلام فلسفه عدالت را چنین به بیان آورده است: «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْعَدْلَ قِوَاماً لِلْأَنْامِ وَ تَنْزِيهاً مِنَ الْمَظَالِمِ وَ الْإِثْمِ وَ تَسْنِيَةً لِلْإِسْلَامِ»؛ «خدای سبحان عدالت را مایه برپایی انسان‌ها [و ستون زندگانی آنها] و سبب پاکی از ستمکاری‌ها و گناهان و روشنی چراغ اسلام قرار داده است» (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۳۳۵). نیز در جایی دیگر اشاره نموده که عدالت سبب اصلاح جامعه می‌شود: «بِالْعَدْلِ تَصْلَحُ الرَّعِيَّةُ» (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۲۵۹). نتیجه این امر آن است که عدالت، اصلاح فرد را نیز شامل می‌شود و او را در مسیر عدل و قسط قرار می‌دهد.

۸. دفاع از حق

یکی از چیزهایی که باعث می‌شود خداوند انسان را اکرام کند، گفتن حق و ادای آن است؛ یعنی بتواند از حق دفاع کند و جایی که ظلمی پایمال شده یا حقی ضایع می‌شود، به دفاع از آن قیام کند. امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «وَ اِيْمُ اللَّهِ لَا بُقْرَةَ الْبَاطِلِ حَتَّىٰ أُخْرِجَ الْحَقُّ مِنْ حَاصِرَتِهِ»؛ «به خدا سوگند من باطل را می‌شکافتم تا آنکه حق را از پهلوی آن بیرون بیاورم» (خطبه ۱۰۴). این سخن از امام علی علیه السلام شاخصه‌ای است برای شخصیت سالم بدین معنا که دفاع از حق از سوی فردی نشان از آن دارد که او از شخصیتی سالم برخوردار است.

۹. پیش‌داوری

پرهیز از پیش‌داوری و حقیقت‌جویی طبیعت انسان سالم است؛ زیرا در پیش‌داوری شواهد بر اساس حقایق شکل نمی‌گیرد و چه بسا حق دیگران نیز ضایع می‌شود. از منظر امام علی علیه السلام قاعده اصلی آن است که قصاص قبل از جنایت ممنوع است و مردمان هرگز نباید پیش‌داوری کنند، بلکه باید با حقیقت سنجه کنند و نظر خویش را به تیغ نقد بکشند. آن حضرت برای در امان ماندن از کج فهمی و پرهیز از انحراف احتمالی، قرآن را تنها معیاری معرفی می‌کند که باید آرای شخصی را بر آن عرضه کرد؛ زیرا از حقیقت نشأت گرفته و به حق و حقیقت رهنمون می‌شود: «وَ اتَّهَمُوا عَلَيْهِ آرَاءُكُمْ»، «دیدگاه‌ها و آرای شخصی خود را در برابر قرآن نقد کنید» (خطبه ۱۷۶). این سخن گرچه

درباره نقد اندیشه‌ها با قرآن است، می‌تواند ملاکی برای نقد سخنان دیگر نیز باشد تا با واقعیت و حقیقت مورد راستی‌آزمایی قرار گیرند.

۱۰. سخاوت‌مندی

سخاوت از ویژگی‌های انسان‌های بزرگ است؛ زیرا افرادی که یقین به پاداش دارند، اهل سخاوت و بخشش هستند. از طرفی، سخاوت عطوفت و مهربانی را نیز در پی دارد. امام علی علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «الْكَرَمُ أُعْطِفُ مِنَ الرَّحِمِ»؛ «سخاوت بیشتر از رابطه خویشاوندی سبب مهربانی با مردم می‌شود» (حکمت ۲۴۷؛ خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۷۲) و انسان سخی نیز کسی است که پیش از آنکه از او درخواستی شود، از خود بخشش نشان می‌دهد و اگر کسی پس از درخواست از او بخششی کند، یا به علت شرم از بخشش نکردن چیزی را می‌بخشد یا از ترس اینکه مورد مذمت قرار نگیرد. امام علی علیه السلام به این نکته چنین تصریح کرده است: «السَّخَاءُ مَا كَانَ ابْتِدَاءً، فَأَمَّا مَا كَانَ عَنْ مَسْأَلَةٍ فَحَيَاءٌ وَ تَذَمُّمٌ»؛ «سخاوت آن است که ابتدایی و بدون درخواست باشد، اما آنچه در برابر درخواست داده می‌شود یا از روی حیاست یا برای فرار از مذمت» (حکمت ۵۳).

۱۱. امانت‌داری

ادای امانت از دستورات اسلامی است که در قرآن بدان امر شده تا به صاحب آن برگردانده شود: (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا) (قرآن کریم، ۴: ۵۸)؛ لذا امانت‌داری به عنوان یکی از خصلت‌های پسندیده اخلاقی می‌تواند شاخصه انسان سالم و مؤمن باشد. حتی از مراتب درجات بالای ایمان نیز به شمار می‌رود. اهمیت امانت‌داری تا بدانجاست که حتی انجام رسالت نبوی و ابلاغ ولایت علوی مشروط به ادای امانت از سوی امینان امت به اهل آن یعنی مردم است. بشر نه تنها در زندگی مادی خود به انسان‌های امین نیازمند است، بلکه در امور معنوی هم نیازمند انسان‌های امین است تا از دستورات دینی نیز بهره‌مند گردد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْإِيْمَانِ الْأَمَانَةُ»؛ «بالاترین درجات ایمان، امانت‌داری است» (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۲۷). همچنین می‌فرماید: «صحة الامانة عنوان حسن المعتقد»؛ «درستی امانت‌گذاری نشانه نیکوی ایمان اوست» (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۲۶).



۱۲. وفای به پیمان

خداوند بندگان مؤمن خود را به وفاداری و پای‌بندی به تعهداتشان دعوت کرده و از نقض عهد و بی‌وفایی باز داشته است: (وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ) (قرآن کریم، ۱۶: ۹۱). در اندیشه امام علی علیه السلام انسان سالم این‌گونه توصیف شده است که در اندیشه و عبادات و رفتار پایبند به دین است و در مشکلات و سختی‌های زندگی شکیباست: «ان فی النارِ لمدینةٌ یقالُ لها الحَصینةُ، أَفلا تَسْئَلونی ما فیها؟ فَقیلَ لَهُ ما فیها یا امیرالمؤمنین؟ قالَ: فیها أیدی التَّاکِثِینَ»؛ «همانا در جهنم شهری است که به آن حصینه (دژ مستحکم) می‌گویند. آیا از من نمی‌پرسید که در آن شهر چیست؟ سؤال شد: ای امیرمؤمنان علیه السلام در آن شهر چیست؟ فرمود: دست‌های پیمان‌شکنان» (فتال نیشابوری، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۰۷؛ صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۹۶).

۱۳. رعایت عفت

در قاموس اسلامی عفت و پاک‌دامنی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و از اوصاف و نشانه‌های افراد متقی می‌باشد. پس انسان سالم با حفظ و رعایت حدود عفت، خود را در زمره افراد محبوب الهی قرار می‌دهد. امیرالمؤمنین علیه السلام درباره مقام والای انسان عقیف می‌فرماید: «مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ، فَعَفَّ لَكَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ»؛ «پادشاه مجاهد شهید در راه خداوند، بالاتر از پادشاه انسان پاک‌دامنی نیست که توان انجام گناه را دارد، ولی خود را آلوده نمی‌سازد. چه بسا مقام انسان پاک‌دامن، بسا مقام فرشته‌ای از فرشتگان الهی باشد» (حکمت ۴۷۴). طبق این سخن، مقام معنوی شخصیت سالم عقیف نه تنها از مقام شهید کمتر نیست، بلکه مقامی بس والاتر از آن است.

۱۴. نیکی به پدر و مادر

در آیاتی از قرآن به نیکی به پدر و مادر دستور داده شده (قرآن کریم، ۲: ۸۳ و ۲۱۵؛ ۴: ۳۶؛ ۵: ۱۵۱) و انسان سالم با الگوگیری از آیات و روایات و بهره‌گیری از عقل سلیم خود می‌داند که عاقبت به خیری خود را باید با احسان به والدین و اطاعت از آنها مگر در موارد معصیت الهی تضمین کند. البته این حقی است که امام علی علیه السلام بر آن تصریح نموده است: «فَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ أَنْ يَطِيعَهُ

فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ؛ «پس حق پدر بر فرزند آن است که پدر را در هر چیز اطاعت نماید مگر در نافرمانی از خداوند سبحان» (حکمت ۳۹۹).

نتیجه‌گیری

کتاب نهج البلاغه به عنوان کلام یک انسان کامل و دومین منبع اساسی انسان‌سازی در دین مبین اسلام (پس از قرآن)، معرّف اصلی ویژگی‌های یک انسان کامل در تمام زمان‌هاست و منبعی مهم و اصلی جهت معرفی ویژگی‌های انسان کامل است.

در پژوهش حاضر، شخصیت انسان سالم از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام در سه محور عقل، قلب و رفتار با رویکرد بازشناسی مؤلفه‌های بینشی و نگرشی، مؤلفه‌های گرایشی و مؤلفه‌های روشی و منشی بررسی شد و مشخص شد که انسان برای اینکه برخوردار از شخصیت سالم باشد، باید در هر یک از مؤلفه‌های سه‌گانه ویژگی‌هایی را کسب کند یا اگر برخی از آنها در نهاد و فطرت او به ودیعه نهاده شده است، آنها را تقویت کند تا هویت شخصیت سالم خود را باز یابد. نیز روشن شد که اگر کسی به هویت شخصیت سالم خویش رسیده است، چون از بینش و نگرش در حوزه شناخت و معرفت برخوردار است، دارای شاخصه‌هایی است که شاخصه‌های دو حوزه دیگر او یعنی قلب و رفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهد و غنا می‌بخشد. همچنین می‌تواند الگویی سالم برای دیگران باشد تا آنان نیز همین مسیر را طی کنند تا ضمن ارتقای بینش‌ها و نگرش‌های خود، باورهای دینی خود را نیز ارتقا دهند و در زمره انسان سالم در تراز نهج البلاغه قرار گیرند.



منابع

القرآن الکریم

- نهج البلاغه. ۱۳۹۱ش، ترجمه محمد دشتی. قم: نشر امیرالمؤمنین علیه السلام.
۱. ابن ابی الحدید، عبدالله بن هبة الله، ۱۳۹۳ق، شرح نهج البلاغه، ترجمه غلامرضا لایقی. تهران: نیستان.
 ۲. ابن فارس، احمد، ۱۴۲۰ق، معجم مقاییس اللغة. بیروت: دارالکتب.
 ۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب. بیروت: دارالفکر.
 ۴. آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، غرر الحکم ودرر الکلم. قم: دارالکتب الاسلامیه.
 ۵. جرداق، جورج، ۱۳۷۶ش، امام علی علیه السلام صدای عدالت انسانی. ترجمه سید هادی خسروشاهی، قم: نشر خرم.
 ۶. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۴ش، فطرت در قرآن. قم: اسراء.
 ۷. حلّی، سید بن طاووس، ۱۳۶۳ش، سعد السعود للنفوس. قم: دار الذخائر.
 ۸. حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان.
 ۹. دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۱۲ق، ارشاد القلوب الی الصواب، قم: شریف رضی.
 ۱۰. دین پرور و جمعی از نویسندگان، سید جمال الدین، ۱۳۷۹ش، دانشنامه نهج البلاغه، تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.
 ۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات القرآن الکریم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۱۲. محمدرضایی، محمد، ۱۳۸۷ش، خدا از نگاه امام علی علیه السلام. قم: بوستان کتاب.
 ۱۳. ری شهری، محمد، ۱۳۸۹ش، میزان الحکمه. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.
 ۱۴. سالاری فر، محمد رضا، ۱۳۸۹ش، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی. قم: سمت.
 ۱۵. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۳۶۲ش، الخصال، قم: جامعه مدرسین.
 ۱۶. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۸ش، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تحقیق محمدجواد بلاغی. تهران، ناصر خسرو.
۱۸. طیب، عبدالحسین، ۱۳۷۸ش، *تفسیر اطبیب البیان*، تهران: انتشارات اسلام.
۱۹. فتال نیشابوری، محمد بن حسن، بی‌تا، *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*، قم: انتشارات رضی.
۲۰. فضل الله، محمد حسین، ۱۴۱۹ق، *من وحی القرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. قریشی، شریف، ۱۳۶۶ش، *کار و حقوق کارگر*، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. کراچکی، محمد بن علی، ۱۴۱۰ق، *کنز الفوائد*، قم: دارالذخائر.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۷۴ش، *بحار الانوار*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. مشهدی، میرزا محمدتقی، ۱۳۹۴ش، *تفسیر کنز الدقایق*، طهران: شمس الضحی.
۲۶. مکارم شیرازی و همکاران، ناصر، ۱۳۹۰ش، *پیام امیرالمؤمنین علیه السلام*، قم: انتشارات امام علی بن ابیطالب علیه السلام.
۲۷. نمازی شاهرودی، علی، ۱۳۹۵ش، *مستدرک سفینه البحار*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

